

مقدمه

وجود اقوام، ادیان و مذاهب گوناگون، به عنوان تنوع‌های فرهنگی موجود در یک کشور و سرزمین و چگونگی برخورد و تعامل با آنها، از مسائل دیرین حاکمان در عرصه سیاسی و اجتماعی بوده است. این مسئله پس از جنگ جهانی دوم، به‌ویژه پس از هجوم گسترده مهاجران به کشورهای اروپایی و آمریکا و پس از جهانی‌شدن، بیشتر در حوزه اندیشه سیاسی و اجتماعی در قالب «مدیریت تنوع فرهنگی» یا «چندفرهنگی» مطرح گردید؛ چرا که تنوع‌های فرهنگی، به عنوان اقلیت در برابر گروه مسلط و حاکم، خواستار بازشناسی تفاوت‌های هویت فرهنگی خویش و لحاظ آن در سیاست‌گذاری فرهنگی بوده است.

بررسی و رصد این امر در قلمروی حکومت آل‌بویه در قرن چهارم و پنجم هجری، که دوره رشد و شکوفایی علمی و فرهنگی بوده است، از این جهت اهمیت دارد که می‌توان با ارائه الگوی تنوع فرهنگی آل‌بویه، جهت تمدن‌سازی اسلامی در جمهوری اسلامی ایران بهره برد. بنابراین، این پژوهش، به این پرسش پاسخ می‌دهد که الگوی سیاست تنوع فرهنگی حکومت آل‌بویه چه بوده است؟ بدین‌منظور، داده‌های مربوط، با بررسی منابع تاریخی جمع‌آوری گردیده و سپس، به وسیله روش تحلیل مضمون، کدگذاری شده، مفاهیم فراگیر عدالت، مشارکت، امنیت، آزادی، نظارت و کنترل، حمایت و تشویق و کد کانونی پیشرفت به دست آمد. بررسی تاریخ آل‌بویه نشان می‌داد که عوامل دیگری نیز در اتخاذ سیاست‌های تنوع فرهنگی آل‌بویه مؤثر بود. این عوامل علی‌یا شرایط حاکمیتی بود. بررسی و تحلیل کدها و سایر عوامل و ساماندهی آنها، نشان می‌دهد که آنان در سیاست‌هایشان الگوی «وحدت در کثرت» را پی گرفته‌اند.

تعریف مفاهیم

۱. سیاست

«سیاست» در سطح کلان عبارت است از: «تدوین راه‌حل عملی برای حل مشکل خاص اجتماعی یا برای دستیابی به هدفی ویژه» (اشترینان، ۱۳۹۱، ص ۹۶). سیاست یا راهبرد، به «همه اقدامات حکومت که اثر مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی شهروندان دارد، اطلاق می‌شود»، همچنین «آنچه دولت تصمیم می‌گیرد، انجام دهد یا کنار بگذارد» (بنت، ۱۹۹۲؛ فلجی و رفسنجانی‌نژاد، ۱۳۹۲).

بررسی سیاست‌های حکومت آل‌بویه در برخورد با تنوع فرهنگی و ارائه الگوی آن

seifarm@yahoo.com

مهدی محمدی صیفار / دکتری جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

محمدهادی همایون / دانشیار فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق

دریافت: ۱۳۹۵/۱/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۹

چکیده

مسئله تکرر و تنوع فرهنگی، از مسائلی است که اکثر کشورهای جهان با آن مواجه هستند و تلاش می‌کنند در عرصه سیاست‌گذاری اجتماعی، الگوهایی را در پیش گیرند که به انسجام و همبستگی اجتماعی منجر شود. بررسی این مسئله در حکومت شیعی آل‌بویه، که در قرن چهارم و پنجم هجری، به بخش بزرگی از جغرافیای جهان اسلام را در تسلط داشتند و بیش از یک قرن حکومت کردند و توانستند «نسانس اسلامی» را ایجاد کنند، دارای اهمیت خاصی برای بهره‌گیری از تراث اسلامی در راستای تمدن‌سازی اسلامی است. اطلاعات مورد نیاز، با استفاده از روش تحلیل مضمون، کدگذاری اولیه، سازمان‌دهنده، فراگیر و کانونی از داده‌ها صورت گرفت. سپس، با ترسیم نمودار قالب مضامین و شبکه مضامین و تحلیل آنها، الگوی مورد نظر از سیاست‌گذاری حکومت آل‌بویه در برخورد با تنوع فرهنگی (اقوام، ادیان و مذاهب) استنباط و ترسیم گردید. الگوی ترسیم شده، بر اساس «وحدت در کثرت» بود.

کلیدواژه‌ها: تنوع فرهنگی، حکومت آل‌بویه، الگوی همانندسازی، الگوی تکررگرایی، الگوی وحدت در کثرت، چندفرهنگی‌گرایی، ادیان و مذاهب.

۲. تنوع فرهنگی

«تنوع»، به معنای گوناگون شدن، دارای انواع شدن و گوناگونی آمده است (معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۱۵۶). در دیکشنری merriam-webster چنین تعریف شده است: «دولتی که مردم آن دارای تفاوت‌های نژادی یا فرهنگی در یک گروه یا سازمان هستند».

«تنوع فرهنگی»، میراث مشترک بشری است که منشأ مبادله، ابداع و خلاقیت میان انسان‌ها است و برای بشر، همان اهمیتی را دارد که تنوع زیستی برای زندگان. برای اینکه انسان‌هایی با فرهنگ‌های متنوع بتوانند به شیوه‌ای سازگار در کنار یکدیگر زندگی کنند، از تکثرگرایی گریزی نیست (وحید، ۱۳۸۳). واژه «تنوع»، وقتی با صفت «فرهنگی» همراه می‌شود، به جامعه‌ای اشاره دارد که در آن بیش از یک گونه فرهنگی وجود داشته باشد. «تنوع فرهنگی غالباً به مفهوم گوناگونی فرهنگ و در معیاری وسیع، تفاوت فرهنگ جوامع مختلف انسانی در مناطق مختلف زمین است» (گولد و کولب، ۱۳۸۱، ص ۲۷۱).

«سیاست‌گذاری» درباره فرهنگ‌های گوناگون، اعم از اقوام، اقلیت‌های دینی و مذهبی، جزئی از سیاست‌های فرهنگی است. از این رو، می‌توان گفت:

سیاست فرهنگی عبارت از: طراحی سازوکارهای اتخاذ تدابیر مناسب، به منظور تنظیم روابط میان اقوام با دولت، و تبیین حقوق و تکالیف متقابل هر یک از آنها، و بیان روش‌های اجرایی نیل به آنها، به منظور حفظ وحدت و همبستگی ملی، هم‌زمان با مراعات و اعطای حقوق به اقوام و اقلیت‌ها است (فریرزی، ۱۳۹۰).

۳. الگو

مدل یا الگو، دو تعریف عمده دارند: ۱. در تعریف اول، «مدل» به معنای شبیه و نمونه است و «مدل‌سازی»، به معنای شبیه‌سازی است. ۲. در تعریف دوم، در عرصه‌های علوم انسانی، همچون معرفت‌شناسی و جامعه‌شناسی، از مدل به معنای یک دستگاه اندیشه یاد می‌شود (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۹). به‌طور کلی، مدل یا الگو طرحی است که از واقعیت گرفته شده و روابط بین عوامل اصلی را نشان می‌دهد و می‌توان از آن، برای پیش‌بینی و تصمیم‌گیری استفاده کرد (الوانی و میرشفیعی، ۱۳۷۴، ص ۳).

الگوهای تنوع فرهنگی

وجود تنوع قومی - فرهنگی، پدیده‌ای کهن است که اکثر جوامع با آن مواجه بوده‌اند. به‌طوری‌که دیرینگی آن موجب شده که امروزه بیشتر کشورهای جهان، از لحاظ ترکیب گروه‌های متفاوت

فرهنگی نامتجانس باشند. نظریه‌پردازان علم سیاست، اغلب بر نقش نخبگان و رهبران فکری و قومی در ایجاد همبستگی و هویت‌سازی‌ها و مشارکت سیاسی و جغرافی‌گرایان، قلمرو جغرافیای سیاسی را، که هر قوم در آن به سر می‌برند، شکل هندسی کشور، ناهمواری‌ها، ارتفاعات، عوارض طبیعی صعب‌العبور، که مانع برقراری ارتباطات میان بخش‌های مختلف کشور می‌گردد و تفاوت‌های محیطی و روان‌شناسان اجتماعی، با متمرکز ساختن توجه خود بر افراد و تعامل‌های میان گروه‌های کوچک، در پی یافتن شیوه‌هایی هستند که مردم، گروه‌ها و ملت‌ها را به هم نزدیک سازند (صالحی، ۱۳۸۶، ص ۷۶). بدین منظور، اصول و مبانی مشخصی توسط اندیشمندان تعریف گردیده و الگوهای متعددی برای سیاست‌های تنوع فرهنگی مطرح شده است. امروزه در ادبیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، سه نوع الگو و مدل عمده سیاست‌گذاری قومی و فرهنگی مطرح می‌شود که در اینجا به توضیح آنها می‌پردازیم.

الف. الگوی همانندسازی

برگس این الگو را چنین تعریف می‌کند: «همانندسازی فرایند ذوب یا نفوذ متقابلی است که از طریق آن، اشخاص یا گروه‌ها، احساسات، آموخته‌ها و طرز تلقی‌های اشخاص یا گروه‌های دیگر را کسب می‌کنند و در جریان زمان و به‌طور تدریجی با آنان یکی شده و کلی واحد را تشکیل می‌دهند» (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۴۶). در همانندسازی، علاوه بر گروه اکثریت، دو گروه اقلیت وجود دارند: مهاجران یا تازه‌واردان و اقلیت‌های بومی درون یک کشور. هر دو گروه، بر اساس الگوی همانندسازی، مجبور هستند نظام ارزشی و فرهنگی اکثریت را بپذیرند و دست از نظام ارزشی و فرهنگی خود بردارند. فرهنگ‌پذیری تازه‌واردان، به آنان امکان می‌دهد که نقش‌های تازه خود را بیابند و قواعد، سنت‌ها و رسوم جامعه وسیع‌تر را قبول کنند. در این الگو، سیاست‌های دولت مبتنی بر ترکیب و محو تدریجی فرهنگ اقلیت‌ها، به منظور ایجاد جامعه‌ای متجانس، همگن و بدون تفاوت است. «هدف سیاست‌های همانندسازی عبارت از: ترکیب زیست‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی و روانی گروه‌های متمایز و منفرد به منظور ایجاد یک جامعه بدون تفاوت‌های قومی است» (مارتین، ۱۳۷۷، ص ۱۵۷).

ب. الگوی تکثرگرایی

مفهوم «تکثرگرایی»، اولین بار توسط جی. اس. فرنیوال مطرح شد. بر اساس آن، دولت مرکزی با شناسایی و مدارا میان تنوع‌های فرهنگی و قومی گوناگون، به ارتقا، انسجام و وحدت ملی

می‌اندیشد و به رعایت حقوق همه اقلیت‌ها، در حفظ و رویش شاخص‌های هویتی آنان نظیر زبان، سنت‌ها، هویت و... می‌کوشد. اصل در تکتگرایی، «حقوق جمعی و گروهی» است و نه «حقوق شخصی و فردی». البته حقوق شخصی و فردی نیز در آن محترم است. ولی عامل تمیز دهنده، همان حقوق گروهی است.

ج. الگوی وحدت در کثرت فرهنگی

«وحدت در کثرت»، از مفاهیم فلسفی است که از نظریه فلسفی «وحدت در کثرت» ملاحظه/ اخذ شده است. «وحدت» عبارت از اینکه حقیقت وجود واحد، دارای مراتب باشد. یک مرتبه از آن حقیقت، واجب است و مرتبه دیگر ممکن. وجود واجب در ذات باری تعالی، مصداق دارد که یکی است (وحدت) و وجود سایر موجودات، در مرتبه ممکن، که همه به صورت تشکیکی در طول وجود واجب قرار دارند. وجود موجودات ممکن، که شامل همه موجودات می‌شود، کثرت را تشکیل می‌دهند. تمام موجودات در اینکه از حقیقت وجودی برخوردارند، «وحدت» دارند و از اینکه در خارج، دارای ماهیت‌های گوناگون هستند، «تکثر» دارند.

برخی با وام‌گیری از این نظریه، آن را در حوزه علوم اجتماعی به کار گرفته، با عنوان الگوی «وحدت در کثرت فرهنگی» مطرح کرده‌اند. بر اساس این الگو، جوامعی که از تنوع فرهنگی برخوردارند و خرده‌فرهنگ‌های گوناگونی را درون خود جای داده‌اند، می‌توانند آنها را در یک نقطه کلی و عام به هم برسانند و میان آنها نقاط اشتراکی برقرار ساخت.

بعد وحدت به آن بخش از الگو نظر دارد که معطوف به حفظ همبستگی سرزمینی و تمامیت جغرافیایی کشور، زبان ملی، نمادها، سمبل‌ها و اساطیر ملی و هر آنچه که «ما»ی جامعه یا فرهنگ و هویت ملی را تشکیل می‌دهد، بوده و به تشدید تعلقات و وفاداری‌های مردم به آن می‌انجامد. بعد کثرت، به آن بخش از گوناگونی‌های فرهنگی - اجتماعی و هویتی در زیرمجموعه فرهنگ و هویت ملی اطلاق می‌شود که ضمن برانگیختن وفاداری‌های محلی یا فروملی، آن را در طول هویت ملی - و نه در عرض آن - قرار می‌دهد (کریمی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۱).

در الگوی «وحدت در کثرت فرهنگی»، برای رسیدن به وحدت و انسجام اجتماعی، می‌توان مفروضات زیر را مطرح کرد:

- وجود عینی اجتماع، یا ملتی خالص از نظر ویژگی‌های فرهنگی کاملاً مشترک، امکان‌ناپذیر است؛
- تفاوت و تمایز، جزء جدایی‌ناپذیر حیات فردی و اجتماعی نوع انسان است؛

- تعارض‌های درون و میان خرده‌فرهنگ‌ها، ضرورتاً ناشی از تفاوت‌های درون و میان آنها نیست که تصور شود با حذف یا تقلیل تفاوت‌ها، تعارض‌ها کاهش می‌یابد؛

- در الگوی وحدت در کثرت، «وحدت» به معنای انسجام در کلیت و همسویی در جهت‌گیری آن است؛

تنوع، ویژگی ذاتی هستی یا جهان به طور عام، و موجود انسانی به طور خاص است. در پس و ظاهر تنوع، نوعی پیوستگی و همبستگی میان اجزای عالم مشاهده می‌شود. این پیوستگی، نشانگر نظم عام منتشر در اجزای هستی است (صالحی و عظیمی، ۱۳۷۸، ص ۹۹).

روش‌شناسی تحقیق

از آنجاکه در این تحقیق، الگوپردازی درون‌داده‌ای مبتنی بر جمع‌آوری، کدگذاری، طبقه‌بندی و مفهوم‌سازی داده‌های سیاست‌های تنوع فرهنگی حکومت آل‌بویه، از متون تاریخی است، از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) استفاده می‌شود. «تحلیل مضمون»، یکی از روش‌های ساده و کارآمد و مهارت‌های عام و مشترک در تحقیق کیفی است. تحلیل مضمون روشی است برای دیدن متن؛ برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب؛ تحلیل اطلاعات کیفی؛ مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان یا فرهنگ.

این روش، به چارچوبی نظری، که از قبل وجود داشته باشد، وابسته نیست و از آن می‌توان در چارچوب‌های نظری متفاوت و برای امور مختلف استفاده کرد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰).

طیف گسترده‌ای از روش‌ها در تحلیل مضمون وجود دارد که با توجه به اهداف و سؤال‌های تحقیق، از روش‌های مناسب آن می‌توان استفاده کرد.

۱. قالب مضامین: معمولاً در پژوهش‌هایی به کار می‌رود که تعداد متون و داده‌های آنها زیاد باشد (مثلاً ۱۰ تا ۳۰ منبع). این روش، فهرستی از مضامین استخراج شده از متن داده‌ها را به صورت درختی و سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد (همان).

۲. شبکه مضامین: در این روش، نقشه‌ای شبیه تارنما نشان داده می‌شود. نمایش شبکه‌ای، تصور هرگونه سلسله‌مراتب، در میان مضامین را از بین می‌برد (همان).

فرایند گام‌به‌گام تحلیل مضمون: فرایند کامل تحلیل مضمون را می‌توان به سه مرحله کلان و شش گام تقسیم کرد. جدول زیر، این فرایند را نشان می‌دهد.

مرحله	گام
الف. تجزیه و توصیف متن	۱. آشنا شدن با متن
	۲. ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری
	۳. جست‌وجو و شناختن مضامین
ب. تشریح و تفسیر متن	۴. ترسیم شبکه مضامین
	۵. تحلیل شبکه مضامین
ج. ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن	۶. تدوین گزارش

بررسی تاریخی و جغرافیای زیستی اقوام، ادیان و مذاهب در قلمروی حکومت آل‌بویه

اقوام مختلفی در تاریخ طولانی ایران، البته بیشتر از سمت شمال شرقی، شرق و جنوب غربی (زهیری، ۱۳۷۹، ص ۷۶)، به علل مختلف، به این سرزمین سرازیر و ساکن شده، تأثیر شگرفی بر فرهنگ و هویت ایرانی گذاشته‌اند. وجود اقوام با فرهنگ‌های متنوع، و زیست آنها در کنار هم، تاریخ و منافع مشترکی را رقم زده، روحیه همگرایی و تساهل را در مردم به وجود آورده است. هگل در کتاب *فلسفه تاریخ* می‌نویسد: «ایرانیان نخستین قوم تاریخی‌اند که به تاریخ جهانی تعلق دارند؛ زیرا نخستین امپراتوری جهانی را برپا کردند که اقوام بسیاری از ایرانی و غیرایرانی را در سرزمینی بسیار پهناور دربر می‌گرفت. در این امپراتوری همزیستی قوم‌های گوناگون با آیین‌ها و زبان‌های مختلف پذیرفته شد» (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۱۸۳-۱۸۴).

افزون بر این، در ایران ادیان و مذاهب گوناگونی نیز فرصت ظهور و زیست یافته‌اند که دین زرتشت و اسلام از آن جمله است. ادیان بزرگی که با سایر ادیان (یهود، مسیحیت) و مذاهب با مسامحه برخورد کرده و قلمرو وسیعی را به خود اختصاص داده‌اند.

آل‌بویه، که در قسمت بزرگی از ایران و عراق را در قرن چهارم هجری حکومت می‌کردند، موجب تضعیف خلفای عباسی در هر دو مملکت شده و بیش از یک قرن فرمانروایی کردند. در این قلمرو گسترده، اقوام، ادیان و مذاهب مختلف با فرهنگ‌های گوناگون می‌زیستند که چگونگی برخورد با آنها، نقش بسیار مهمی در پایداری تنوع فرهنگی داشت. در ذیل برای نشان دادن تنوع دینی، قومی و مذهبی موجود در عصر آل‌بویه و اینکه تنوع فرهنگی، مسئله‌ای جدی مربوط به آن دوره و نیازمند راه‌حل از سوی آل‌بویه است، به معرفی اجمالی محدوده جغرافیایی آنها می‌پردازیم.

۱. اقوام عمده موجود در قلمروی حکومت آل‌بویه

فارس‌ها: پیش از زمان آل‌بویه، بیشتر مناطق ایران و حتی عراق فارسی زبان بودند. نظر ابن‌الفقیه در کتاب *البلدان* و مسعودی در *التنبیه و الاشراف* بر آن دلالت دارد (مسعودی، ۱۳۵۷ق، ص ۸۳؛

ابن‌الفقیه، ۱۳۴۹، ص ۱۱). در دوره آل‌بویه، که حکومت آنها نخست در منطقه فارس تشکیل شد، فارس به مرکزیت شیراز، اصفهان و کرمان، که از لحاظ جغرافیایی نزدیک فارس قرار داشتند، پارسی بودند (ناصرخسرو، بی‌تا، ص ۱۶۷). بخش بزرگی از عراق در زمان ساسانیان، ایرانی بودند، به‌ویژه شهر مدائن پایتخت آنها و جمعیت آنها را پارسیان تشکیل می‌دادند (صدر، ۱۳۳۸، ج ۱۱، ص ۲۲۴ و ۲۰۷). بنابه نقل ابن‌جویری، در بغداد و حومه آن، مراسم عید نوروز و آتش روشن کردن در شب چهارشنبه، حتی در زمان حکومت عباسیان برقرار بود (همان، ص ۲۰۸). این اسناد نشان می‌دهد که در دوره آل‌بویه، بخش بزرگی از ایران، قسمتی از عراق و برخی از مناطق خلیج فارس ایرانی بودند.

ترک‌ها: ترک‌ها اغلب توسط معتصم عباسی به عراق آورده و ساکن شدند. وی، شهر سامرا را برای اسکان آنها مشخص کرد (یعقوبی، ۱۳۴۷، ص ۲۹؛ طقوش، ۱۳۹۰، ص ۱۷۳). ترک‌ها، پیش از آنکه بویهی‌ها دولت را در ایران و عراق به دست گیرند، در بخش عمده‌ای از عراق، قدرت را در دست داشتند. علاوه بر این، حضور فرماندهان و بزرگان در هر شهری، به معنای اسکان سپاه در آنجا بود. از این رو، اکثریت ترک‌ها در بغداد و در شهرهای حومه، از جمله سامرا مستقر بودند. عده‌ای نیز به سبب حکومت بجگم (فرمانده ترک)، در شهر اهواز و واسط مسکن داشتند. ترک‌ها، به عنوان بخشی از سربازان آل‌بویه، در فارس و ری نیز ساکن بودند (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۴۲۹؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۲۷). بعدها به کرمان نیز مهاجرت کردند (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۷، ص ۳۱۳).

دیلمیان و گیل‌ها: در قرن چهارم هجری، کوه‌نشینان دیلمی را از گیلان به بین‌النهرین انتقال دادند. هنگام انتقال، بخشی از آنها در زاگرس و خوزستان اسکان یافتند (ساینا). بیشتر سربازان سپاه آل‌بویه را دیلمیان و گیل‌ها تشکیل می‌دادند. حضور علی‌بن‌بویه در فارس و تشکیل حکومت بویه‌یان، فرمانروایی حسن‌بن‌بویه در جبال و بعدها، تصرف اهواز توسط احمدبن‌بویه، به معنای اسکان دیلمیان و گیل‌ها در این مناطق بود. پس از اینکه احمدبن‌بویه (معزالدوله)، بغداد را به تصرف درآورد، سپاه خلیفه که بیشتر از ترک‌ها بودند، در اختیار وی قرار گرفتند و نظامیان احمد، اغلب از ترک‌ها، دیلمیان و گیل‌ها تشکیل یافت. هرچند پیش از آن، تعدادی ترک در سپاه احمد و عده‌ای دیلمی در سپاه خلیفه بودند (همان، ج ۲، ص ۸۵).

کردها: بیشتر کردها به طور خاص، در اطراف زاگرس و به طور عام، در منطقه جبال (دینور، نهاوند، همدان، کرمانشاهان، کهگیلویه، اصفهان و ری) ایران (زرین‌کوب، ۱۳۸۸، ص ۳۳۳) و دیار بکر عراق می‌زیستند. رشید یاسمی در کتاب *کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او*، به نقل از ابن‌خردادبه و

ابن‌قدامة می‌نویسد: کردها در همه مناطق اطراف رود دجله و فرات و کارون می‌زیستند (رشید یاسمی، بی‌تا، ص ۱۷۲). در تاریخ ابن‌خلدون آمده است: کردان حمیدی، در نواحی موصل جای داشتند (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۵۹). آنان همچنین در کهگیلویه و سیستان زندگی می‌کردند (ابن‌الفقیهه، ۱۳۴۹، ص ۱۹۶؛ زرین‌کوب، ۱۳۸۸، ص ۸۳-۸۴).

لرها: زمینی که در شمال و خاور دزفول و شوشتر واقع است، در اوایل قرون وسطا به صحرای لر معروف بوده و مردم آن، همه لر بودند. از آنجا، پس از قرون وسطا، به دو ولایت کوهستانی لر کوچک و لر بزرگ مهاجرت کرده‌اند. در سده چهارم، مهاجرت اقوام لر آغاز شد. بنابر کتاب *ابن‌حوقل*، کردها بر آن نواحی استیلا یافته‌اند و نیز گوید: هرچند بلاد لر کوهستانی است، ولی حاصلخیز است (ابن‌حوقل، ۱۹۳۸، ج ۲، ص ۳۰۸). *اصطخری*، که در قرن پنجم می‌زیسته، شهر لور (واژه لر و لور آمده است) را جزء جبال می‌داند (اصطخری، بی‌تا، ص ۲۰۱).

بلوچ‌ها: کوچ‌ها (قُصصی‌ها) و بلوچ‌ها در دامنه کوه‌های قُقص، که جزء کرمان بوده، زندگی می‌کردند (بیهقی، ۱۳۷۴، ص ۳۴۲؛ ناصرخسرو، بی‌تا، ص ۲۷۵). پس از تصرف کرمان و کوه‌های قُقص توسط *عضدالدوله*، عده‌ای از مردم کرمان [راهزنان] به مکران و سیستان مهاجرت می‌کنند. احتمالاً برخی از این مهاجران، بلوچ‌ها بوده‌اند.

عرب‌ها: در دوره خلافت عباسی و پایان آن، کوچ‌نشین‌های عرب در طول راه بغداد به ماوراءالنهر، یعنی در جبال، سیستان و خراسان وجود داشتند. در بعضی نواحی، مثل قزوین، نهاوند، دینور و سیروان، ساکنان آمیزه‌ای از عرب و غیرعرب بودند. در نواحی قم، گاهی غلبه با اعراب به نظر می‌رسید. در اصفهان از طوایف خزاعه، در قم از قبایل اشعری و در همدان از طوایف ربیعیه، خانواده‌های متعدد سکونت داشتند. همان‌طورکه در کرمان، سیستان و فارس نیز بودند (زرین‌کوب، ۱۳۸۸، ص ۸۳-۸۵). در پادشاهی *عضدالدوله*، قبایل متعددی از اعراب در ساحل شرقی رود دجله (از جمله بنی‌شیبان) و در غرب فرات (از مهم‌ترین آنها، بنی‌اسد) زندگی می‌کردند (کبیر، ۱۳۸۸، ص ۸۷).

۲. ادیان، مذاهب و فرق موجود در قلمرو حکومت آل‌بویه

۲-۱. دین اسلام

۲-۱-۱. جغرافیای زیستی شیعیان: عراق در عصر آل‌بویه، دارای چندین شهر مهم از جمله بغداد (مرکز خلافت بنی‌عباس)، کوفه، سامرا، بصره، واسط و موصل بود. شیعیان بسیاری در آنها

می‌زیستند. ناصر خسرو نیز شهرهای کربلا، نجف، کوفه، حله و بصره عراق را از مراکز عمده پیروان مذهب تشیع می‌داند (مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۷۴؛ ناصرخسرو، بی‌تا، ص ۱۱۶؛ ملک‌مکان و همکاران، ۱۳۸۹؛ یعقوبی، ۱۳۸۵، ص ۲۸). بنابر نظر *مقدسی*، بغداد متشکل از گروه‌های زیادی از سنیان و شیعیان بود که عمده جمعیت آنها را حنبله و شیعیان تشکیل می‌دادند (مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۷۴). بنابر روایت *مقدسی*، بیشتر اهل بصره در قرن چهارم هجری، قدری، شیعی، معتزلی و جنبلی بودند (همان، ص ۱۷۵). مرحوم *مظفر*، شهر نجف را از روز اول تأسیس شیعی می‌داند (مظفر، بی‌تا، ص ۹۵). شهر کربلا، پس از شهادت امام حسین علیه السلام، مرکز تجمع شیعیان بود (همان، ص ۸۹). شهر حله از روز تأسیس، شیعی بود (همان، ص ۸۷-۸۸). همان‌طور که در مدائن و سامرا نیز شیعیان مسکن داشتند (جعفریان، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۱۴۸).

شهر قم، اولین مرکز تشیع در ایران بوده است. در کتاب *تاریخ قم* آمده که از اشعری‌های عرب هستند (قمی، ۱۳۶۱، ص ۲۳ و ۲۸). *ابن‌حوقل* هم می‌گوید: «تمام اهل قم شیعه‌اند، فریب کسی را نمی‌خورند و اکثر آنها عرب بوده و به زبان فارسی سخن می‌گویند» (ابن‌حوقل، ۱۹۳۸، ص ۳۷۰). بسیاری از علمای مشهور شیعه، مانند *ابن‌بابویه قمی* و *شیخ صدوق* از این شهر برخاسته و نشو و نما یافته‌اند. *رکن‌الدوله* و *صاحب‌بن‌عباد*، مراقب وضع این شهر بوده و رعایت حال مردم آن را می‌کردند (فقیهی، ۱۳۷۸، ص ۷۰-۷۱). آوه یکی از نخستین مراکز تشیع در ایران می‌باشد و اهالی آن، به سبب ارتباط و پیوندی که با قم داشتند، به تشیع گرویدند (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۱۷۰؛ همو، ۱۳۶۸، ص ۱۳۰). در ری نیز شیعیانی حضور داشتند (همان، ص ۱۹۰-۱۹۱). با تسلط *رکن‌الدوله* بویه‌ای بر ری، این شهر مهم، یکی از مراکز اصلی استقرار بویه‌یان شده، به تدریج شیعه در آن ترویج گردید (همان، ص ۱۹۲). *جعفریان*، تشیع کاشان را با تشیع قم پیوند داده، می‌گوید: جهانی بعد از اشاره به تشیع قم، درباره مردم کاشان می‌نویسد: «ایشان هم شیعه مذهبند» (همان، ص ۱۰۲۰). اصفهان در قرن چهارم، شهرت به ناصبی‌گری داشته‌اند. این علی‌رغم حضور اندیشه‌های شیعی معتزلی بوده که آل‌بویه و در رأس آنها، وزیر شیعی آنان *صاحب‌بن‌عباد* آنها را در این شهر رواج می‌داده‌اند (همان، ج ۱، ص ۳۲۳). علاوه بر وجود شیعه امامی، شیعه زیدی نیز در آن بوده است که *ابوالفرج اصفهانی* از جمله آنهاست (همان، ص ۹۴۷). ناصر خسرو، که در سال ۴۱۵ هجری وارد قزوین شده، در سفرنامه‌اش می‌گوید: «و رئیس آن شهر مردی علوی بود» (ناصرخسرو، بی‌تا، ص ۶).

مقدسی می‌گوید: «شیعیان در گرگان و طبرستان آوازه‌ای دارند» (مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۴۰). سپس در ادامه می‌نویسد: «مذهب ناحیت‌های دیلم، شیعه و بیشتر گیلانیان سنی هستند» (همان، ص ۵۴۲). پیشینه مذهب تشیع در قلمروی لرستان، به آغاز قرن چهارم هجری و روی کار آمدن دولت شیعی آل‌بویه برمی‌گردد (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۲۳۹). مقدسی نیمی از مردم اهواز در قرن چهارم را شیعه می‌داند (مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۲۰) و حضور آنان را در مناطقی از فارس، مثل آرگان و کرانه دریا گزارش می‌دهد (همان، ص ۶۵۳). شهرهای دیگری نیز محل حضور شیعیان بوده که به سبب طولانی شدن بحث، از ذکر آنها خودداری می‌شود.

۲-۱-۲. جغرافیای زیستی اهل تسنن: همان‌طور که گفته شد، قسمت شرقی بغداد، محله رُصافه را اهل تسنن تشکیل می‌دادند. مقدسی می‌نویسد: در بغداد، اکثریت با حنبلی‌ها و شیعه است. دانشمندان بزرگ دو عراق از ایشانند. در آنجا مالکی، اشعری، معتزلی، نجاری، نیز هست (همان، ج ۱، ص ۱۷۴). بیشتر جمعیت شهر واسط و سامرا از اهل سنت بودند (جعفریان، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۱۴۵-۱۱۴۶). بنابر روایت مقدسی، «قدری»، «معتزلی» و «حنبلی» مذهب، بخشی از جمعیت بصره را شامل می‌شدند (مقدسی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۵). از آنچه مقدسی گزارش می‌دهد، چنین استنباط می‌شود که بیشتر جمعیت عمان را اهل رأی تشکیل می‌دادند (همان، ص ۱۳۵).

بر اساس کتب تاریخی و جغرافی، آنچه مسلم است اینکه اکثر مردم ایران پس از اسلام، سنی بودند. مقدسی در قرن چهارم، درباره مذاهب ری نوشته است که غلبه با حنفی‌ها و نجاری‌هاست (همان، ج ۲، ص ۵۹۰-۵۹۱). شهرستانی می‌نویسد: نجاریه اصحاب حسین بن محمد نجار هستند. نجاریه در نفی صفات با معتزله موافق می‌باشند؛ ولی در خلق اعمال با صفایته هم‌عقیده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۴۰۴). خوارزمی، تعبیر به «ناصبی‌گری اصفهانی» می‌کند (جعفریان، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۲۳). مقدسی در ضمن جریانی که برای خود او اتفاق افتاده است، می‌گوید: اصفهانی‌ها درباره معاویه غلو دارند. او می‌گوید: مردم اصفهان «اهل سنت و جماعتند. حنبلیانی درشت‌خویند» (مقدسی، ۱۳۶۳، ص ۵۷۹). بنابر نظر قزوینی، اهل ساوه «شافعی مذهبند» (قزوینی، ۱۳۷۳، ص ۴۵۶؛ لسترنج، ۱۳۶۴، ص ۲۲۸). مقدسی، شهر قزوین را از مراکز فقه و فلسفه می‌داند (مقدسی، ۱۳۶۳، ص ۵۸۴) که مذهب مردم آن، نجاری است و شافعی نیز دارند (همان، ص ۳۹۵). بیشتر مردم اهواز و خوزستان، از فرقه‌های کلامی و فقهی اهل سنت بودند (همان، ص ۶۲۰). در قرن چهارم، اکثریت با شافعیان کرمان است، مگر در جیرفت که حنفی

هستند. حدیث‌گرایان نیز به جز هرمز، در همه‌جا روبه چیرگی هستند. اما در شهرهای دیگر، پیروان ابوحنیفه و در سیرجان نیز معتزلیان بسیارند (همان، ص ۶۹۱).

مقدسی، همدان و نواحی آن را از اصحاب حدیث می‌داند (همان، ص ۵۹۰-۵۹۱). همان‌طور که وی درباره فارس و شیراز می‌نویسد: «رفتار همگانی بر مذهب اصحاب حدیث است، ولی پیروان بوحنیفه [و شافعی] نیز بسیارند» (همان، ص ۶۵۳). معتزلیان و حنبلیان هم در کرانه دریا بسیار هستند (همان). علاوه بر این، فرقه ظاهریه یا همان داودیه نیز در فارس ظهور داشتند (صفا، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۷۹؛ فقیهی، ۱۳۷۸، ص ۶۹).

۲-۲. دین زرتشت

در دوره بویه‌یان، زرتشتیان در ایران، به‌ویژه در استان‌های کرانه دریای خزر و جنوب ایران بسیار بودند (فرای، ۱۳۸۸، ص ۱۶۰-۱۶۱). ابن‌حوقل می‌نویسد: «زرتشتیان در فارس بیشتر از دیگر نقاط هستند؛ زیرا که مرکز فرمانروایی و ادیان و کتاب‌ها و آتشکده‌های آنان آنجاست و در زمان ما نیز مردم، وارث همان امور می‌باشند» (ابن‌حوقل، ۱۹۳۸، ص ۵۹؛ مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۴۰). مورخان، فارس، کرمان، جبال، آذربایجان، خراسان، خوزستان و بغداد را از مراکز زرتشتیان در قرن چهارم می‌دانند. ولی در فارس بیشتر از هر جایی حضور داشتند (چوکسی، ۱۳۸۷، ص ۹۹).

۲-۳. دین مسیحیت

بیشتر نصارای ایران، ساکن مناطق غربی و جنوبی بودند. به همین دلیل، در عراق، فارس، خوزستان و جزایر خلیج فارس، شمار بسیاری دیر و کلیسا و صومعه وجود داشت. مقدسی گزارش می‌کند: اندکی نصارا در فارس هستند (مقدسی، ۱۳۶۳، ص ۶۵۳). جیهانی در مورد مسیحیان فارس می‌نویسد: «در فارس از ملت‌های گبر و جهود و ترسا نیز باشند» (جیهانی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۱). به گفته اصطخری، اهل کتاب در ولایت فارس، بیشتر زرتشتی بوده، پس از ایشان مسیحیان و سپس یهودیان بودند (اصطخری، بی‌تا، ص ۱۳۹). بنابر نظر اشپولر، تا زمان سلجوقیان، جمعیت‌های مسیحی در اصفهان نیز بوده‌اند (اشپولر، بی‌تا، ص ۳۸۶-۳۸۵). مقدسی می‌گوید: تعداد اندکی از مسیحیان در اهواز نیز هستند (مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۳۵). نویسنده تاریخ سیستان، به وجود کلیسا در سیستان اشاره‌هایی دارد (تاریخ سیستان، بی‌تا، ص ۳۵۷). ابن‌فقیه همدانی، از وجود نصارا در خبیص (از شهرهای کرمان) خبر داده است (ابن‌فقیه، ۱۳۴۹، ص ۲۱). در کردستان نیز

مسیحیانی زندگی می‌کردند (طهماسبی و عطارزاده، بی‌تا). جیهانی نیز به صومعه ترسایان در ارتفاعات نصیبین اشاره می‌کند (جیهانی، ۱۳۶۸، ص ۹۲). معزالدوله و عزالدوله، که حاکمان بغداد بودند، از وزیران مسیحی استفاده می‌کردند. بصره از جمله مکان‌هایی بوده که مسیحیان در آنجا بوده‌اند. بافت جمعیتی شهر قدیم بصره عبارت بود از: مسیحیان که در حدود شش هزار نفر بودند (ملک‌مکان و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۲-۱۵۳).

۲-۴. دین یهودیت

یهودیان، در مقایسه با پیروان دیگر ادیان، هیچ‌گاه جمعیت انبوهی نداشته‌اند. ولی پراکندگی جغرافیایی آنها زیاد بوده است. در ایران نیز که از دیرباز محل سکونت گروه‌هایی از یهودیان بوده، از سواحل دجله و فرات، تا آن سوی سیحون و جیحون، در بیشتر شهرهای بزرگ و کوچک، این پراکندگی وجود داشت (ذیلایی، ۱۳۹۰). در قرن چهارم هجری، خوزستان، به‌ویژه اهواز و شوشتر، از مراکز مهم یهودیان ایران محسوب می‌شد (مقدسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۳۵). بر اساس کتب تاریخی، اصفهان نیز از مراکز عمده یهودیان در ایران قلمرو آل‌بویه بوده است. چنان‌که محله قدیمی، آنکه یهودیان در آنجا مسکن داشتند، به «یهودیه» معروف است (قزوینی، ۱۳۷۳، ص ۳۵۶). اصطخری، یهودیان فارس را از نظر شمار جمعیت، پس از مجوس و نصاری، در رتبه سوم بیان کرده است (اصطخری، بی‌تا، ص ۱۳۹).

۲-۵. دین صابایی

بنابر نظر بیرونی، جمعیت صابیان‌مندایی در عراق و ایران، به هشت هزار نفر می‌رسید. در ایران غالباً در خوزستان و در کنار رود کارون و شط‌العرب و در عراق، در کنار دجله و فرات و دیاله مسکن داشتند (ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۹، ص ۵۰۸). مقدسی و انصاری دمشقی، مرکز صابئیان همه کشورهای اسلام را در «رها» و «حران» (ناصر خسرو، بی‌تا، ص ۲۳۰؛ فقیهی، ۱۳۴۷، ص ۱۶۶) می‌دانند (مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۰۰؛ انصاری دمشقی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۱).

سیاست‌های تنوع فرهنگی حکومت آل‌بویه

در طول بیش از یک قرن عمر حکومت آل‌بویه، ۲۳ نفر از این خاندان در سرزمین گسترده ایران و عراق حکمرانی کردند. نسل اول و دوم آن، از انسجام داخلی بیشتری برخوردار بوده است. به همین

دلیل، سیاست‌های تنوع فرهنگی در آن آشکارا نمود دارد. ولی در نسل‌های بعد، که از فرزندان رکن‌الدوله بودند، به علت سرگرم شدن به درگیری‌های مداوم داخلی برای دستیابی به قدرت، آن اقتدار و انسجام اولیه از دست رفته و در تاریخ، از سیاست‌های آنان، گزارش‌های زیادی بیان نشده است. با این حال، از نظر مورخان و پژوهشگران، اکثر حاکمان آل‌بویه، دیندار، شجاع، عاقل و دارای حسن سیاست و حسن تدبیر بوده و در فرصت‌های به‌دست‌آمده، به دنبال اجرای سیاست‌های تنوع فرهنگی بوده‌اند. به همین دلیل، سیاست‌های آنان چنان پیشرفتی در جهان اسلام به وجود آورد که *آدم‌متز* در کتاب *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری* به عنوان یک شرق‌شناس، از آن به «عصر رنسانس اسلامی» تعبیر می‌کنند.

داده‌هایی که دربارهٔ سیاست‌های تنوع فرهنگی آل‌بویه به‌دست‌آمده، به‌طور کلی حاکی از دو نوع سیاست است: نخست، سیاست‌های عمومی که در راستای توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی صورت گرفته و ناظر بر قوم، دین یا مذهب خاصی نبوده، بلکه شامل همه آنها بوده است. برای نمونه، توسعه کشاورزی، نوسازی شهری یا رسیدگی به نیازمندان و مانند آنکه در سرزمین‌های اسلامی اقدام می‌شد، بدون جهت‌گیری خاصی بوده است. درحالی‌که اگر حاکمان آل‌بویه می‌خواستند، می‌توانستند این اقدامات را با رویکرد «توسعه به نفع شیعیان» به پایان برسانند، به ویژه در بغداد که محله شیعیان و اهل تسنن و اقلیت‌های دینی از هم جدا و به آسانی و آشکارا این تبعیض قابل اعمال بود. در قلمرو آل‌بویه، همواره توسعه و نوسازی شمولیت داشته و همهٔ مردم به‌عنوان شهروند از آن بهره‌مند می‌شدند. دوم، عبارت از سیاست‌هایی است که آشکارا جهت‌گیری قومی، دینی یا مذهبی در راستای تنوع فرهنگی داشته است.

۱. سیاست‌های عمومی تنوع فرهنگی آل‌بویه

این سیاست‌ها، همه مردم، اعم از پیروان اقوام، ادیان و مذاهب اسلامی را به عنوان شهروند شامل می‌شد. در ذیل به صورت فهرست‌وار ذکر می‌شوند.

- ۱-۱. سیاست‌های مربوط به علم و علما (سیاست‌های فرهنگی): گرامی‌داشت علم و علما (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۸۲؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۱۱۵؛ مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۵۳؛ پرویز، ۱۳۶۳، ص ۸۷؛ حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۲۷۳؛ قفطی، ۱۳۷۱، ص ۳۸۶؛ زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰، ص ۱۲۶)، تشویق و حمایت از علم و علما (کبیر، ۱۳۸۸، ص ۲۹۴؛ فقیهی، ۱۳۴۷، ص ۹۸؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۱۲، ص ۱۵؛ مسکویه، ۱۳۷۶، ص ۴۵۷)، احداث مراکز علمی (دارالعلم)

۶-۱. رسیدگی به نیازمندان: کمک به نیازمندان (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۴۳۶-۴۳۹؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۲۰، ص ۲۹۹؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۶۷۰؛ میرخواند، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۱۵۶؛ مافروخی، بی‌تا، ص ۹۴؛ ابن‌سنجر، ۱۳۱۳، ص ۲۴۴)، تعیین مقرری برای خادمان مسجد (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۵۰۷؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۲۹۱)، خیرات و مبرات سالانه به ایالت‌ها (کبیر، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱)، کمک برای آزادی زندانیان مالی (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۸۳؛ کبیر، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱).

۷-۱. سیاست‌های مربوط به نظارت و کنترل: نظارت و کنترل کارگزاران برای عدم کوتاهی در انجام وظایف (فقیهی، ۱۳۴۷، ص ۱۰۷؛ ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۳، ص ۱۵۳)، جلوگیری از فساد و ایجاد امنیت اجتماعی (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۲/۳/۹؛ ابن‌جوزی، ۱۴۲۴، ص ۶۲؛ متز، ۱۳۶۲، ص ۴۰؛ مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۴۸۱)، عدم اجازه نفوذ به خواص (کبیر، ۱۳۸۸، ص ۱۰۰)، عدم تبعیض در مجازات (کبیر، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱؛ فقیهی، ۱۳۴۷، ص ۱۱۱).

۲. سیاست‌های اختصاصی تنوع فرهنگی آل‌بویه

تاریخ‌گویای این است که سیاست‌های آل‌بویه، همواره حامی فرهنگ‌های مختلف و حتی مخالف بوده است و در طول حکمرانی، برای نابودی، به حاشیه راندن و بی‌اعتنایی به فرهنگ‌ها تلاش نکردند. آثار مستشرقان، کتب تاریخی، جغرافیایی و غیره که درباره آل‌بویه نوشته شده و در آنها مخالفان تشیع (اعم از اقوام یا فقها، دانشمندان و سیاست‌مداران سنی‌مذهب یا مستشرقان)، علیه شیعه موضع‌گیری کرده‌اند، هیچ‌گاه از سیاست‌های تنوع فرهنگی آل‌بویه به بدی یاد نکرده‌اند. با توجه به شواهد تاریخی، سیاست‌های تنوع فرهنگی آنان از جنبه دیگر، به صورت خاص به اقوام، مذاهب و اقلیت‌های دینی مربوط می‌شود که در ذیل به آنها می‌پردازیم.

۱-۲. سیاست‌های مربوط به اقوام: به کارگیری اقوام در نیروی نظامی (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۲۰، ص ۴۷؛ زرین‌کوب، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۲۲؛ مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۱۴۶ و ۲۱۶؛ جرفادقانی، ۱۳۷۴، ص ۷۴؛ ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۴، ص ۲۳۰ و ۲۳۳)، حفظ تعادل میان دو هسته نیروی نظامی (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۲۱، ص ۱۶۷؛ کبیر، ۱۳۸۸، ص ۲۲۵-۲۲۶؛ باسورث، ۱۳۸۵)، واگذاری مسئولیت دولتی به سران اقوام (ابن‌اثیر، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۲۳؛ مسکویه، ۱۳۷۶، ص ۴۹۰-۴۹۸)، آزادی آداب و رسوم قومی (مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۴۰؛ مسعودی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۸۱؛ ج ۳، ص ۴۱۳؛ ج ۴، ص ۲۴۶؛ ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۳

(متز، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۰۵) و کتابخانه (مقدسی، ۱۳۶۳، ص ۶۶۸-۶۶۹؛ ترمذی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۰۰-۴۰۱؛ مکی، ۱۳۸۳، ص ۳۱۶)، آزادی آموزش و فعالیت‌های علمی (تدریس، تحقیق، مناظره، تألیف و...) (مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۵۸؛ مکی، ۱۳۸۳، ص ۳۱۶؛ بارانی، ۱۳۹۲؛ کرمر، بی‌تا، ص ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۷۲، ۲۰۳، و ۳۷۳؛ موسوی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۷)، تشکیل انجمن‌های علمی و مجالس مناظره (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۳۴۰؛ رهنما، ۱۳۷۴).

۲-۱. سیاست‌های مربوط به بهداشت و سلامت: توسعه زیرساخت‌های بهداشت و سلامت (مانند احداث بیمارستان و تیمارستان (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۲۴؛ مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۴۲؛ افسر، ۱۳۷۴، ص ۴۶؛ عظیمی، ۱۳۹۱؛ ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۴، ص ۲۶۴؛ فقیهی، ۱۳۷۵، ص ۷۵۱-۷۵۲؛ مستوفی، ۱۳۳۹، ص ۴۱۵-۴۱۶؛ محدثی، ۱۳۷۷، ص ۴۴)، به کارگیری متخصصان در مدیریت، آموزش و تربیت نیرو (محدثی، ۱۳۷۷، ص ۶۲؛ ترمذی، ۱۳۸۹، ص ۳۳۴؛ کرمر، بی‌تا، ص ۱۳۴؛ فقیهی، ۱۳۴۷، ص ۱۵۰؛ قفطی، ۱۳۷۱، ص ۴۶۰)، برابری در رسیدگی به بیماران (قفطی، ۱۳۷۱، ص ۱۹۴؛ عظیمی، ۱۳۹۱، ص ۳۷۳؛ رویگر، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶؛ مهراز، ۱۳۴۸، ص ۳۷۷).

۳-۱. سیاست‌های مربوط به کشاورزی: اسکان کشاورزان در زمین‌های معطل (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۲۹۱؛ فقیهی، ۱۳۴۷، ص ۱۴۸؛ راوندی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۸۳؛ ابن‌بلخی، ۱۳۶۳، ص ۱۶۸)، نوسازی و توسعه زیرساخت‌های کشاورزی (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۴۷۹؛ فقیهی، ۱۳۷۸، ص ۴۸۶؛ متز، ۱۳۶۲، ص ۴۰؛ مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۸۷، ۶۱۷، ۶۲۶؛ یاقوت حموی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۰۷)، ترویج سایر محصولات کشاورزی (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲، ص ۲۹۱؛ کبیر، ۱۳۸۸، ص ۱۰۴؛ رویگر، ۱۳۸۶، ص ۱۳۰)، نظارت و کنترل کشاورزان و زمین‌داران (انصاف‌پور، ۱۳۵۶، ص ۱۷۶-۱۷۷؛ روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۲/۳/۹).

۴-۱. سیاست‌های مربوط به کسب و کار: توسعه کسب و کار (مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۷۸ و ۱۸۱؛ ج ۲، ص ۶۱۷، ۶۴۲، ۶۳۶، ۶۴۳، ۶۵۸ و ۵۹۲؛ ستوده، ۱۳۸۹، ص ۸۹)، بیمه بیکاری (فقیهی، ۱۳۴۷، ص ۲۲۸).

۵-۱. سیاست‌های مربوط به توسعه و نوسازی شهری: بازسازی، تعمیر و احداث درون‌شهری (مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۱۳-۶۱۴؛ قزوینی، ۱۳۳۱، ص ۲۰۲؛ زرین‌کوب، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۸۱؛ یحیایی، ۱۳۹۰؛ مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۴۵۳؛ مافروخی، بی‌تا، ص ۷۳)، احداث و توسعه جاده‌ها و راه‌های برون‌شهری (مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۲۶).

و ۲۲۵؛ بیهقی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۲۲)، رفتار یکسان با اقوام؛ صلح، مدارا و نیک‌رفتاری با اقوام (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۲۸۳؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۲۱، ص ۸۴؛ ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۴، ص ۸۵)، رفتار خشونت‌آمیز یکسان با اقوام برای برقراری امنیت (ابن‌اثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۲۸۱-۲۸۳، ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۴، ص ۸۵).

۲-۲. سیاست‌های مربوط به مذاهب اسلامی: به‌کارگیری پیروان مذاهب در مسئولیت‌های دولتی، پیک یا عامل برید (ابن‌اثیر، ۱۴۰۸ق، ص ۲۸۸)، قاضی‌القضات (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۳۰-۲۳۱؛ مفتخری، ۱۳۹۱)، قاضی (مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۵۳؛ مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۴۷۱-۴۷۳؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۱۱۲؛ متز، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۴۷؛ ترمینینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۷۶)، سفیر (ترمینینی، ۱۳۸۹؛ دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶۴۳؛ بدوی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۲۳)، وزیر (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۳۴-۳۵؛ شوشتری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۳۳)، آزادی در داشتن و احداث مراکز مذهبی (مقدسی، ۱۳۶۳، ص ۴۱۱؛ رویگر، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵؛ حمیدی، ۱۳۶۹، ص ۳۰۶؛ ثعالبی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۸)، آزادی آداب و رسوم و فعالیت‌های مذهبی (کرمر، بی‌تا، ص ۱۰۳؛ مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۵۶؛ ابن‌نذیم، ۱۳۶۶، ص ۲۴۰؛ ابن‌بلخی، ۱۳۶۳، ص ۲۸۱؛ مفتخری و همکاران، ۱۳۹۱؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۲۶)، رفتار یکسان با حجاج؛ برگزاری مراسم مذهبی مربوط به حج (مکی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۶)، برقراری امنیت حجاج (ابن‌اثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۷۰۵؛ کبیر، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱؛ متز، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۰)، اصلاح قوانین و تسهیل رفت‌وآمد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۲۰۹)، جلوگیری از اختلاف‌های مذهبی (شناسایی عوامل فتنه و نظارت بر آنها (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۲۵۴؛ کبیر، ۱۳۸۸، ص ۱۵۴)، برقراری صلح و آشتی میان عوامل درگیری (کرمر، بی‌تا، ص ۱۱۸-۱۱۹)، بازداشت و برکناری عوامل آشوب از مقام (ابن‌اثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۱۵)، کوتاه آمدن و مدارا کردن (همان، ج ۸، ص ۵۴۲-۵۴۳؛ میرخواند، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۱۵۰)، منع از قصه‌گویی، موعظه، حمل سلاح و برگزاری مراسم (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۲۵۴؛ ج ۱۵، ص ۵۹؛ مسکویه، ۱۳۷۶، ص ۹۵؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۳۶۳)، تبعید (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۴۳ و ۴۴؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۱۱، ص ۲۵۰؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۲۶۸؛ مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۴۷۱؛ ر.ک: موسوی، ۱۳۸۱)، مجازات اعدام (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۲۱، ص ۲۱۱؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۳۳).

۳-۲. سیاست‌های مربوط به اقلیت‌های دینی: آزادی آداب و رسوم دینی (مقدسی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۳۹ و ۴۴۱؛ اصطخری، بی‌تا، ص ۸۴؛ متز، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۵؛ حسام‌پور و همکاران، ۱۳۹۰؛ تودلایی، بی‌تا، ص ۱۲۶)، به‌کارگیری پیروان ادیان در مسئولیت‌های دولتی، به‌عنوان حاکم (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، پاورقی ص ۳۹۸؛ انصاف‌پور، ۱۳۵۶، ص ۴۴۵؛ راوندی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۳۹)، متصدی امور مالی (مسکویه، ۱۳۷۶، ص ۴۴۳؛ خطیب‌بغدادی، ۱۳۴۹ق، ج ۱، ص ۱۰۰؛ اروجی و همکاران، ۱۳۹۲؛ الدوری، ۱۹۸۴، ص ۹۲، ۱۸۳، ۱۸۷ و ۱۹۱)، پزشک، وزیر (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۳۹۰؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۷۰۲-۷۰۵)، کاتب و دبیر (ترمینینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۵۹)، فرماندهی سپاه (مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۴۴۲)، رئیس دیوان (ابن‌اثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۵۳۳؛ فقیهی، ۱۳۴۷، ص ۵۰-۵۱)، آزادی پیروان ادیان در انتخاب شغل و محل سکونت (متز، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۸؛ ذیلابی، ۱۳۹۰؛ سامی، ۱۳۴۷، ص ۵۱۳؛ پرویز، ۱۳۶۳، ص ۱۴۶-۱۴۷؛ جعفریان، ۱۳۷۷، ص ۱۶۰)، حمایت از پیروان ادیان (برقراری امنیت (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۷، ص ۶۹-۷۰؛ فقیهی، ۱۳۴۷، ص ۸۵؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۷۹)، مرمت مراکز دینی (ابن‌اثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۷۰۵؛ مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۴۵۸)، دریافت حداقل جزیه (ابن‌خراداذبه، ۱۳۶۳، ص ۱۱۱؛ متز، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶۱ و ۹۶).

الگوی سیاست‌های تنوع فرهنگی حکومت‌آل‌بویه

روش تحلیل مضمون، فرایندی بوده و به صورت گام‌به‌گام در سه مرحله قابل توضیح است:

۱. تجزیه و توصیف متن: در این مرحله، نخست پس از آشنایی با متون مختلف تاریخی و غیرتاریخی و مطالعه آنها، داده‌های مربوط به اقوام، اقلیت‌های دینی و مذاهب اسلامی استخراج شده و پس از چندین بار مطالعه و مقایسه متون، داده‌ها به صورت کدگذاری اولیه مشخص گردید. سپس، جدول داده‌ها ترسیم و کدهای پایه به صورت منظم و مرتب تشکیل شدند. داده‌ها حاکی از این بودند که کدها می‌توانند بر اساس سنخیت کنار یکدیگر قرار بگیرند. مثلاً، داده‌های مربوط به علم؛ از قبیل آموزش، مناظره، تشکیل انجمن‌های علمی، تشویق، حمایت و یا داده‌های مربوط به اقوام؛ نظیر آزادی آداب و رسوم قومی، رفتار یکسان با اقوام، به‌کارگیری نیروهای نظامی اقوام، تحت یک عنوان قرار گرفتند. وقتی همه داده‌های

هم‌سرخ استخراج و کنار یکدیگر قرار گرفتند، مشخص شد که کل داده‌ها را می‌توان در دو بخش قرار داد:

بخش اول، داده‌هایی که به صورت عمومی و بدون در نظر داشت قوم، دین یا مذهب خاصی بود که با عنوان «سیاست‌های عمومی» مطرح شدند. بخش دوم، داده‌هایی که اقوام، اقلیت‌های دینی و مذاهب اسلامی را در نظر داشت که «سیاست‌های اختصاصی» نام گذاشتیم.

۲. تشریح و تفسیر متن: وقتی سیاست‌ها به بخش عمومی و اختصاصی تقسیم شد، هر یک از سیاست‌های مربوط نیز آورده شد. ولی بررسی چندباره و دقیق داده‌ها، در قالب سیاست‌های عمومی و اختصاصی نشان می‌داد که در هر یک از آن دو نوع سیاست، نقاط مشترکی وجود دارد که باید داده‌ها در آن قالب تنظیم و مرتب گردند. مثلاً، در سیاست‌های مربوط به علم، بهداشت و سلامت، کشاورزی، کسب و کار، یا سیاست‌های مرتبط با اقوام و اقلیت‌های دینی، حمایت‌های آل‌بویه از مردم، به عنوان عضوی از مملکت اسلامی، به طور عمومی و حمایت‌های آنان از اقوام، اقلیت‌های دینی و مذاهب به صورت اختصاصی، در تمام داده‌های سیاست‌ها یا توسعه و نوسازی زیرساخت‌ها در بخش کشاورزی، بهداشت و سلامت و مدیریت شهری وجود داشت. بنابراین، با این نگاه، کدبندی با نوع تقسیم‌بندی در توضیح سیاست‌ها تفاوت یافته و کدها برای دستیابی به الگو، به صورت سیاست‌های عمومی و اختصاصی تنظیم نگردید، بلکه داده‌هایی که در همه سیاست‌های بخش عمومی و اختصاصی مشترک بودند، به صورت کدهای سازمان‌دهنده ۱ و ۲ درآمدند.

۳. ترکیب و ادغام متن: در مرحله کدهای سازمان‌دهنده ۲، دوباره به دقت بررسی شده و کدهای «فراگیر» از آنها به دست آمد. با توجه دقیق به کدهای سازمان‌دهنده ۲، معلوم شد که بعضی از سیاست‌ها (سیاست‌های تشویقی، حمایتی و نظارتی و کنترلی)، جزء سیاست‌هایی بودند که نقش زمینه و بستر را برای سیاست‌های اصلی ایفا می‌کردند (سیاست‌های زمینه‌ای). البته این بدین معنا نیست که «سیاست‌های زمینه‌ای»، از اهمیت چندانی برخوردار نیستند، بلکه اهمیت آنها از این جهت بیشتر است که اگر اعمال نمی‌شدند، بسترهای اجرای سیاست‌های اصلی به وجود نمی‌آمد. بنابراین، سیاست‌های زمینه‌ای، به عنوان کد فراگیر برای سیاست‌های «تشویقی»، «حمایتی» و «نظارتی و کنترلی» قرار گرفت.

کد فراگیر سیاست «توسعه و نوسازی زیرساخت‌ها» و «برابری»، مفهوم «عدالت» تعیین گردید. برای هر یک از سیاست‌های (کدهای سازمان‌دهنده ۲) «امنیتی»، «مشارکتی» و «آزادی‌های

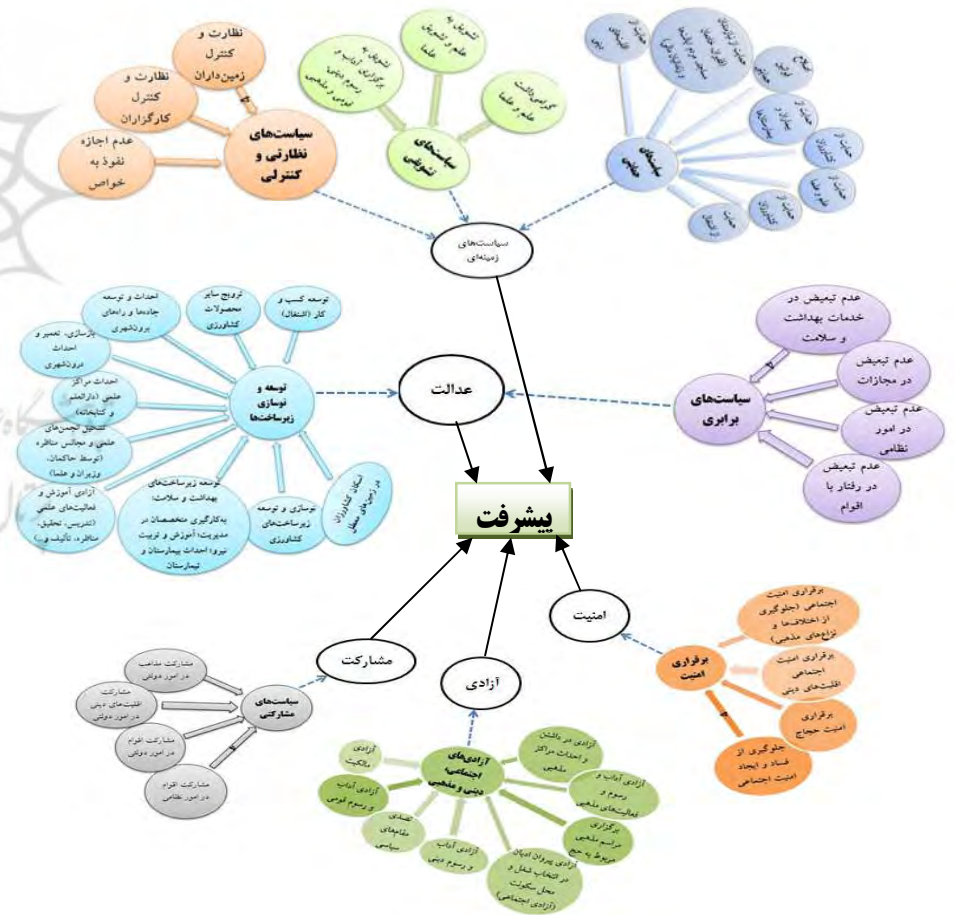
اجتماعی»، به ترتیب کدهای فراگیر «امنیت»، «مشارکت» و «آزادی» انتخاب شد. سپس با توجه به روح حاکم بر اجرای سیاست‌های تنوع فرهنگی حکومت آل‌بویه و اقدام آنان، کد کانونی «پیشرفت» برای سیاست‌های عدالت، امنیت، مشارکت و آزادی تعیین گردید.

جدول کدهای سازمان‌دهنده ۱ و ۲ و کدهای فراگیر و کانونی

کد کانونی	کدهای فراگیر	کدهای سازمان‌دهنده ۲	کدهای سازمان‌دهنده ۱	
پیشرفت	عوامل یا سیاست‌های زمینه‌ای	سیاست‌های تشویقی	گرامی‌داشت علم و علما	
			تشویق به علم و تشویق علما	
			تشویق به برگزاری آداب و رسوم دینی، قومی و مذهبی	
		سیاست‌های حمایتی	حمایت از علم و علما	
			حمایت از بیماران و بیمارستان‌ها	
			حمایت از کشاورزان	
			حمایت از اشتغال	
			حمایت از نیازمندان (فقیران، خادمان مساجد، مردم ایالت‌ها و زندانیان مالی)	
			حمایت از اقلیت‌های دینی	
			اصلاح قوانین حمایتی	
		سیاست‌های نظارتی و کنترلی	نظارت و کنترل زمین‌داران	
			نظارت و کنترل کارگزاران	
		عدم اجازه نفوذ به خواص		
عدالت		سیاست‌های توسعه و نوسازی زیرساخت‌ها	احداث مراکز علمی (دارالمعلم و کتابخانه)	
			آزادی آموزش و فعالیت‌های علمی (تدریس، تحقیق، مناظره، تألیف و...)	
			تشکیل انجمن‌های علمی و مجالس مناظره (توسط حاکمان، وزیران و علما)	
			توسعه زیرساخت‌های بهداشت و سلامت: به‌کارگیری متخصصان در مدیریت؛ آموزش و تربیت نیرو؛ احداث بیمارستان و تیمارستان	
			اسکان کشاورزان در زمین‌های معطل	
			نوسازی و توسعه زیرساخت‌های کشاورزی	
			ترویج سایر محصولات کشاورزی	
			توسعه کسب و کار (اشتغال)	
			بازسازی، تعمیر و احداث درون‌شهری	
			احداث و توسعه جاده‌ها و راه‌های برون‌شهری	
			سیاست‌های برابری	عدم تبعیض در خدمات بهداشت و سلامت
				عدم تبعیض در مجازات
عدم تبعیض در امور نظامی				
عدم تبعیض در رفتار با اقوام				
سیاست‌های برقراری امنیت	امنیت	جلوگیری از فساد و ایجاد امنیت اجتماعی		
		برقراری امنیت حجاج		
		برقراری امنیت اجتماعی (جلوگیری از اختلاف‌ها و نزاع‌های مذهبی)		
سیاست‌های مشارکتی	مشارکت	برقراری امنیت اجتماعی اقلیت‌های دینی		
		مشارکت اقوام در امور نظامی		
		مشارکت اقوام در امور دولتی		
		مشارکت مذاهب در امور دولتی		
		مشارکت اقلیت‌های دینی در امور دولتی		

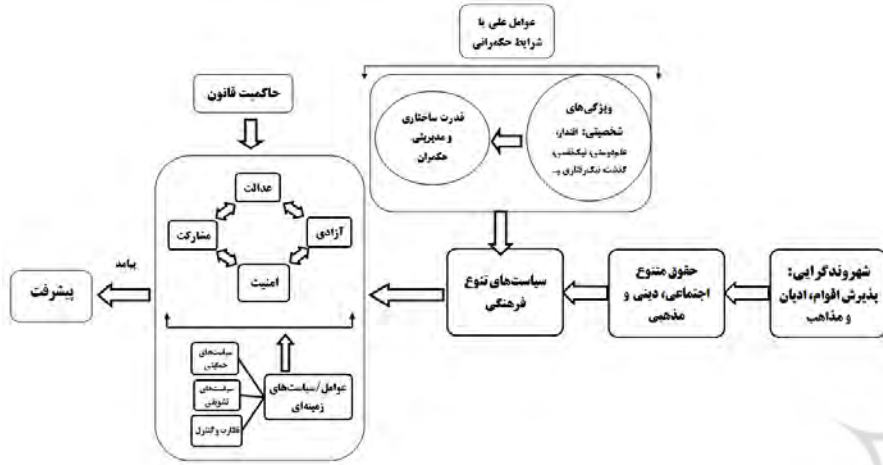
کدهای سازمان‌دهنده ۱	کدهای سازمان‌دهنده ۲	کدهای فراگیر	کد کانونی
آزادی آداب و رسوم قومی	سیاست‌های آزادی‌های اجتماعی	آزادی	
برگزاری مراسم مذهبی مربوط به حج			
آزادی در داشتن و احداث مراکز مذهبی			
آزادی آداب و رسوم و فعالیت‌های مذهبی			
آزادی پیروان ادیان در انتخاب شغل و محل سکونت (آزادی اجتماعی)			
آزادی آداب و رسوم دینی			
آزادی مالکیت			
آزادی فعالیت در امور سیاسی			

با اتمام کدها و رسیدن به یک مفهوم کانونی انتزاعی‌تر، قابلیت شمول به هر یک از سیاست‌ها را داشت و می‌توانست تمام سیاست‌ها را تحت مفهوم خود جای دهد، شبکه مضامین کامل شده به صورت زیر آمده است.



تحلیل الگو و نتیجه‌گیری

نتیجه اینکه، با توجه به سیاست‌های تنوع فرهنگی آل‌بویه، لحاظ واقعیت موجود تکثر فرهنگی (اقوام، ادیان و مذاهب)، جدول کدها و شبکه مضامین، می‌توان الگوی زیر را برای سیاست‌های آل‌بویه ترسیم کرد.



اقوام، اقلیت‌های دینی و مذاهب مختلف اسلامی، در سراسر قلمروی حکومت آل‌بویه، با پراکندگی قابل توجهی زندگی می‌کردند. حضور آنان به عنوان شهروند کشور اسلامی پذیرفته شده بود. پذیرش کثرت موجود، به معنای اعتقاد به شهروند بودن هر یک از احاد جامعه و نیز حقوق متنوع اجتماعی، دینی و مذهبی بود. تاریخ نشان می‌دهد که بویه‌یان، همه اقلیت‌ها را به عنوان «شهروند» پذیرفته بودند و در مقابل آنان، رفتارهای احترام‌آمیز داشتند. منظور از «شهروند» این است که همه کسانی که در کشور اسلامی زندگی می‌کنند و به عنوان عضو جامعه محسوب می‌شوند، شهروند آن مملکت بوده، دارای حقوقی هستند که حکومت ملزم به رعایت آنها است. هیچ‌گاه حاکمان آل‌بویه در برابر اقوام، مذاهب یا اقلیت‌های دینی، از این لحاظ که به قوم، مذهب یا دین خاصی تعلق دارند، موضع‌گیری، به معنای اعم آن، یعنی موضع‌گیری سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نکردند. اما تنها اعتقاد به برخورداری از حقوق متنوع شهروندان کافی نبود. امیران آل‌بویه باید در عمل، سیاست‌هایی را در برابر کثرت‌گرایی خود به کار می‌گرفتند تا هم حکومت خود را تثبیت کنند و هم بتوانند مدیریت موفق را در عمل نشان دهند.

پیش از اینکه سیاست‌های تنوع فرهنگی آل‌بویه توضیح داده شود، لازم است به عوامل علی و شرایط حکمرانی اشاره گردد که اجرای سیاست‌ها به آنها بستگی دارد. به عبارت دیگر، بود و نبود عوامل علی، در سیاست‌های تنوع فرهنگی تأثیرگذار است. عوامل علی، عواملی هستند که بیانگر شرایط حکمرانی بوده و کاملاً در موفق یا ناموفق بودن سیاست‌ها دخالت دارند؛ تا این عوامل محقق نشوند، اجرای سیاست‌ها موفقیت‌آمیز نخواهد بود. تاریخ حکومت آل‌بویه و شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن، گویای این است که هرگاه حاکمی مقتدر بوده، و توانسته با قانون‌گذاری و تدبیر درست، قوانین را به اجرا در آورد. چنین حاکمی در تحقق سیاست‌ها نیز موفق بوده است. نسل اول بویه‌یان (عمادالدوله، رکن‌الدوله و معزالدوله)، عضدالدوله، بهاءالدوله و برخی دیگر، از کسانی بودند که اقتدار لازم را داشتند و سیاست‌های مربوط به اقلیت‌ها را به خوبی به کار می‌بستند. ولی در دوره‌های بعد، که حاکمان بویهی اقتدار خود را در اثر جنگ‌های داخلی از دست داده بودند، تقریباً از اجرای این سیاست‌ها غافل شدند.

با بررسی تاریخ آل‌بویه، دو عامل مهم به عنوان عوامل علی مشخص می‌گردید که عبارتند از: ۱. ویژگی‌های شخصیتی حکمران، از قبیل اقتدار، علم‌دوستی، نیک‌نفسی، گذشت، نیک‌رفتاری و امثال آن؛ ۲. قدرت ساختاری و مدیریتی.

ویژگی نخست، تقریباً در اغلب حاکمان آل‌بویه مشاهده می‌شود (منظور در اینجا تنها امیر نیست، بلکه وزیران مقتدر، مدبر و دانشمند نیز در اجرای سیاست‌های تنوع فرهنگی آل‌بویه نقش برجسته‌ای داشتند). اکثر آنها علم‌دوست بوده، نسبت به اقلیت‌ها و حتی دشمنان، با نیکي، گذشت و مهربانی رفتار می‌کردند و همواره روش مسالمت‌آمیزی داشتند. البته امیران بویی، گاهی در رفتارهای خود، افراط یا تفریط داشته‌اند و رفتارهای ناشایست و خشن در مواردی از آنها دیده می‌شود. ولی این رفتارها در برخورد با مخالفان و متخلفان از قانون رخ می‌داده، نه مردم عادی یا اقلیت‌ها. عامل دوم، قدرت ساختاری و مدیریتی حاکم است. «قدرت ساختاری» به این معنا اشاره دارد که ساختار حکومت، به چه میزان در اجرای سیاست‌ها کارآمد، توانمند و چابک عمل می‌کند؟ آیا نهادهای موجود در ساختار حکومت، در انجام وظایف قانونی خود، ضابطه‌مند، سریع و چابک هستند؟

بررسی دوره آل‌بویه، نشان می‌دهد که وجود این عوامل، رابطه مستقیمی با اجرای موفق سیاست‌ها دارد. اقتدار مدیریتی در نسل اول آل‌بویه (عمادالدوله، رکن‌الدوله و معزالدوله)، نسبت به سایر امیران بویهی (بجز عضدالدوله) بیشتر دیده می‌شود. اما دوره حکومت عضدالدوله (در شیراز و یا در بغداد)،

نشان از اقتدار شخصیتی و مدیریتی ویژه وی دارد. او دارای شخصیتی شجاع، مدیر، مدبر و مقتدر بود. از این لحاظ، در اداره کشور، نهادهایی را به وجود آورد و قوانینی وضع کرد و سپس، با قدرت تمام به اجرای آنها پرداخت. وضع قوانین و اجرای آنها در امور مربوط به کشاورزی، بهداشت، علم و فرهنگ، امنیت، جلوگیری از فساد، مشارکت اقلیت‌ها در امور دولتی و امثال اینها، از جمله اموری است که در دوره وی چشم‌گیر بوده است.

همان‌طور که در شبکه مضامین ملاحظه گردید، دو سیاست (برابری و توسعه و نوسازی زیرساخت‌ها)، به مفهوم فراگیر «عدالت» تقلیل یافتند و سه‌گونه سیاست (تشویقی، حمایتی و نظارت و کنترل)، نقش زمینه‌سازی را دارند. این سیاست‌ها، فرع بر سایر سیاست‌ها نیستند و زمینه بودن، از اهمیت اجرای آنها نمی‌کاهد. آنچه الگو نشان می‌دهد، سیاست‌های زمینه‌ای، به نوعی نقش پشتیبانی سیاست‌های چهارگانه را ایفا می‌کنند. میزان موفقیت در اجرای آنها، به توفیق هرچه بیشتر در اجرای سیاست‌های چهارگانه می‌انجامد. در سیاست‌های زمینه‌ای، نظارت و کنترل از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا اجرای سایر سیاست‌ها، نیازمند ضمانت اجرایی بالایی است که دولت باید عهده‌دار آن گردد. در دوره‌هایی که نظارت به اجرای قوانین و کنترل کارگزاران شدید بوده؛ یعنی ضمانت اجرایی نیرومندی وجود داشته، دولتی‌ها به صورت ضابطه‌مند، دقیق و منظم به کار خود می‌پرداختند.

گستره و شمول سیاست‌های حمایتی به حوزه‌های مختلف، نشان از اهمیت آن در اجرای سایر سیاست‌ها دارد. اجرای آن، به معنای فراهم‌سازی زمینه‌ها و بسترها برای رشد و توسعه است. این سیاست، نشان می‌دهد که در مسیر پیشرفت، باید به عوامل زمینه‌ای و به قشرهای آسیب‌پذیر توجه ویژه کرد؛ به‌طوری‌که زیر چرخ‌های پیشرفت و توسعه ناپود نشده، فراموش نشوند.

«برقراری عدالت» در جامعه و میان همه شهروندان، از سیاست‌های اصلی است که آل‌بویه به دنبال تحقق آن بودند. عدالت در اینجا، به معنای برخورداری شهروندان از حقوق شهروندی برابر و یکسان است؛ برابری در برخورداری از خدمات بهداشت و سلامت، کسب و کار، تجارت، خدمات شهری، خدمات علمی و فرهنگی، کشاورزی، توسعه و نوسازی زیرساخت‌ها، رفتار برابر و عدم تبعیض در مجازات و برخورد قانونی.

اعطای «آزادی اجتماعی» نیز از سیاست‌های اصلی است که نسبت به اقلیت‌ها به اجرا درآمد؛ یعنی همه شهروندان، در اجرای آداب و رسوم قومی، دینی و مذهبی و انجام فعالیت‌ها و احداث مراکز

مربوط، اشتغال، اسکان، اظهار عقیده و نظر و کسب علم به طور کامل آزاد بودند و محدودیتی در این زمینه وجود نداشت.

سیاست دیگر، «برقراری امنیت» است. وجود امنیت برای آل‌بویه آنچنان اهمیت داشت که می‌توانست سایر سیاست‌ها را تحت‌الشعاع قرار دهد. هر حاکمی که می‌توانست امنیت را در محدوده قلمرو خود برقرار کند، موفق در اجرای سایر سیاست‌ها بود. حاکمانی که همواره با چالش امنیت مواجه بودند، در تحقق سایر سیاست‌ها نیز ناکام می‌شدند.

یکی از چالش‌های بزرگی که همواره بویهیان را آزار می‌داد، وجود نزاع‌های فراوان میان شیعیان و اهل تسنن بود. در دوره آل‌بویه، برقراری آرامش و ثبات نسبی در زمان حکومت عضدالدوله و تا حدی استاد هرمز وزیر بهاءالدوله روی داد؛ به طوری که آنها با تبعید، حبس و تهدید عوامل فتنه و نزاع توانستند از شعله‌ور شدن درگیری‌ها بکاهند.

سیاست دیگری که حکومت آل‌بویه به اجرا درآورد، مشارکت دادن اقوام، اقلیت‌های دینی و مذاهب اسلامی در امور دولتی بود. این سیاست، فراگیری گسترده‌ای داشت؛ به طوری که افراد بر اساس تخصص و شایستگی‌های خود، می‌توانستند در امور دولتی به کار مشغول باشند. از این جهت، فرصت اشتغال در امور دولتی برای همه وجود داشت. بیان سه مطلب در اینجا مهم به نظر می‌رسد. یکی، فراوانی اشتغال به کار اقلیت‌ها در امور دولتی است. دیگری، گوناگونی شغل‌هایی است که اقلیت‌ها در آنها مشغول بودند. سومی، داشتن پست‌های مهمی، نظیر وزارت و حکومت منطقه‌ای بود.

بنابر الگوی ارائه شده، سیاست‌های چهارگانه عدالت، آزادی، امنیت و مشارکت در یکدیگر تأثیر دارند. هرگاه وجود امنیت اجتماعی در جامعه افزایش می‌یابد و ثبات برقرار می‌گردد، حکومت به راحتی به نوسازی شهرها می‌پرداخت، مشارکت در امور دولتی با مشکل مواجه نمی‌شد و آزادی‌های اجتماعی به عنوان حق مسلم تلقی می‌گردید. از سوی دیگر، وقتی مردم دچار مشکلات اقتصادی و بیکاری می‌شوند، طغیان عمومی، به ویژه سرکشی نظامیان و جدایی از امور دولتی افزایش یافته، مشارکت کاهش می‌یابد و امنیت با مشکل مواجه می‌شود.

اگر مسئله پیشرفت را «فرایندی» بدانیم که با «تحقق تدریجی» هر یک از سیاست‌های مذکور حاصل می‌شود، این اتفاق در عرصه‌هایی رخ داده است. عرصه پیشرفت علمی، فرهنگی، عرصه اجتماعی، عرصه سیاسی، نظامی و امنیتی و عرصه اقتصادی، معیشتی و عمرانی از این جمله است. مهم‌ترین پیشرفتی که در دوره آل‌بویه رخ داد، پیشرفت علمی و فرهنگی بود. گسترش علوم مختلف

(علوم انسانی، طبیعی و تجربی)، به وجود آمدن نحله‌های فکری و اعتقادی گوناگون، افزایش مراکز علمی و فرهنگی، تولید محصولات علمی و فرهنگی و غیره در این عرصه قرار می‌گیرند. به طوری که از آن، به «رساناس اسلامی» تعبیر می‌شود.

حاصل اینکه بر اساس الگو، «پیشرفت» پیامد سیاست‌های تنوع فرهنگی حکومت آل‌بویه است. این پیامد، به صورت فرایندی، تدریجی، هم‌افزایی و متقابل حاصل شده است؛ بدین معنا که سیاست‌های تنوع فرهنگی در صورتی تحقق می‌یابد که حاکمان دارای شرایط باشند و بتوانند با اقتدار و تمسک به قانون، سیاست‌های زمینه‌ای و چهارگانه را اجرا کنند تا حاصل آنها، دستیابی به پیشرفت در همه زمینه‌ها باشد.

تبیین الگوی وحدت در کثرت

کثرت فرهنگی موجود (اقوام، اقلیت‌های دینی و مذاهب اسلامی با فرهنگ‌های مختلف)، در قلمروی حکومت آل‌بویه و اتخاذ سیاست‌های مسالمت‌آمیز در رابطه با آنها، به معنای پذیرش تفاوت فرهنگ‌ها و توجه به آنها است. اما نه به معنای حق بودن آنها، بلکه پذیرش واقعیت موجود در عرصه اجتماعی است. این کثرت‌گرایی، مستلزم اتخاذ سیاست‌هایی بود که بتواند به همگرایی کثرت‌ها منجر شود. حال، سؤال این است که کثرت‌ها در چه نقطه‌ای باید به همگرایی می‌رسند؟

در دوره آل‌بویه، عقل‌گرایی در فضای سنگین حاکمیت نقل‌گرایی، به وسیله ترجمه متون فلسفی و منطقی یونانی، وجود مناظره‌های آزاد فراوان علمی میان اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی و تألیف کتب کلامی و دفاع عقل‌گرایانه از دین، افق‌های روشنی را نه تنها در حوزه علم، بلکه در حوزه سیاست‌گذاری پدید آورد. حاکمان آل‌بویه با تکیه بر عقل و درایت توانستند با رویکرد شهروندگرایی، به وضع قوانینی در جهت همگرایی بپردازند که نقطه مشترک میان اقوام، ادیان و مذاهب باشد، به طوری که در سایه پیروی از قانون، همه‌آحاد جامعه و شهروندان بتوانند از حقوق متنوع خویش بهره‌مند گردند. تأکید بر دین، مذهب یا قوم خاصی، نمی‌توانست فصل مشترک شهروندان متکثر باشد. اگر آل‌بویه بر حاکمیت مذهب شیعه پافشاری می‌کرد، با وجود اکثریت اهل تسنن، دچار چالش‌های فراوان در حکمرانی می‌شد. علاوه بر این، بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و توانایی‌های گوناگون اقلیت‌ها، مسئله مهمی بود که آل‌بویه نمی‌توانست از آن چشم‌پوشی کند. در آن دوره، هویت ملی در قلمرو آل‌بویه نیز شکل نگرفته بود که هویت‌های فرهنگی متنوع در زیر سایه آن به وحدت برسند.

بررسی سیاست‌های آل‌بویه نشان می‌دهد که تأکید آنها بیشتر بر مفهوم «شهروندی» و ظرفیت آن برای همگرایی اقلیت‌ها بود. همه اقلیت‌های فرهنگی، می‌توانستند «شهروند» کشور اسلامی باشند و از حقوق اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در چارچوب قانون برخوردار گردند. شهروندگرایی و توجه به اقلیت‌ها، بدون وجود قانون، به عنوان پشتوانه اجرای سیاست‌ها امکان نداشت. محوریت «شهروندگرایی» و حاکمیت فراگیر قانون، می‌توانست آن چتری باشد که اولاً، کثرت‌های گوناگون را در سایه خویش بیاساید. ثانیاً، سیاست‌های تنوع فرهنگی به درستی به منصفه ظهور برسد. ثالثاً، ظرفیت فرهنگ‌های مختلف در اداره کیان اسلامی به کار گرفته شود.

«برایند و پیامد» حکومت مرکزی باثبات در عصر آل‌بویه، «رشد و پیشرفت» در عرصه‌های مختلف بود. از آنجاکه خلافت در تسلط عباسیان سنی‌مذهب بود و اکثریت جمعیت شهرهای قلمرو آل‌بویه را اهل تسنن تشکیل می‌داد، نقش آنان در ثبات و سپس پیشرفت کشور اهمیت فراوانی داشت. بنابراین، الگوی «وحدت در کثرت» را از سیاست‌های تنوع فرهنگی آل‌بویه می‌توان استنباط کرد که در آن، «شهروندگرایی»، نقطه اشتراک و وحدت کثرت‌های موجود در قلمرو آل‌بویه به شمار می‌آید. شهروندگرایی نیز نمی‌توانست تحقق یابد، مگر در سایه قانون فراگیر و اجرای قدرت آن.

منابع

آشوری، داریوش، ۱۳۷۶، *ما و مدرنیته*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.

ابن اثیر، علی ابن ابی‌الکرم، ۱۴۰۸ق، *الکامل فی التاریخ*، تصحیح علی شیری، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

—، ۱۳۷۱، *کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.

ابن الجوزی القرشی البغدادی، الحافظ جمال‌الدین ابی‌الفرج عبدالرحمن، ۱۴۲۴ق، *کتاب الاذکیاء*، بیروت، دارالفکر.

ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المنتظم فی تاریخ الامم والملوک*، تصحیح عطا محمدبن عبدالقادر و مصطفی، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابن‌القیه الهمدانی، احمد بن محمد بن اسحاق، ۱۳۴۹، *البلدان*، بی‌جا، بنیاد فرهنگ ایران.

ابن بلخی، ۱۳۶۳، *فارسنامه*، تصحیح گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب

ابن حوقل النصبی، ابوالقاسم محمد، ۱۹۳۸، *سفرنامه ابن حوقل*، ترجمه شعار، بیروت، دارصار.

—، ۱۹۸۳، *صوره الارض*، بیروت، دارصادر.

ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله، ۱۸۸۹، *المسالك والممالک*، بیروت، دارصادر.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۳۶۳، *دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر و من عاصمه من زوی الشان الاکبر*، ترجمه عبدالحمید آیتی، بی‌جا، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ابن سنجر، هندوشاه، ۱۳۱۳، *تجارب السلف در تواریخ خلفا و وزرای ایشان*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، بی‌جا، مطبعه فردین.

ابن کثیر دمشقی، أبو‌الفداء اسماعیل بن عمر، ۱۴۰۷ق، *البدایه و النهایه*، بیروت، دارالفکر.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق، ۱۳۶۶، *الفهرست*، تصحیح محمد تجدد، تهران، امیرکبیر.

ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد، ۱۳۸۹، *آثار الباقیه*، تهران، امیرکبیر.

اروجی، فاطمه و همکاران، ۱۳۹۲، «نقش اقلیت‌های دینی در حیات اقتصادی عهد آل‌بویه»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، سال سوم، ش ۶، ص ۱-۲۲.

اشپولر، برتولد، بی‌تا، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری و مریم میراحمدی، تهران، علمی و فرهنگی.

اشتریان، کیومرث، ۱۳۹۱، *مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی*، تهران، جامعه‌شناسان.

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، بی‌تا، *مسالك الممالک*، قاهره، الهیئه العامه لقصورالثقافه.

افسر، کرامت‌الله، ۱۳۷۴، *تاریخ بافت قدیمی شیراز*، تهران، قطره.

الوانی، سیده‌مهدی و نصرالله میرشفیعی، ۱۳۷۴، *مدیریت تولید*، مشهد، آستان قدس رضوی.

انصاری دمشقی، شمس‌الدین محمد بن ابی‌طالب، ۱۳۸۲، *نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر*، تهران، اساطیر.

۱۳۳ **بررسی سیاست‌های حکومت آل‌بویه در برخورد با تنوع فرهنگی و ارائه الگوی آن**

انصاف‌پور، غلامرضا، ۱۳۵۶، *ساخت دولت در ایران از اسلام تا یورش مغول*، تهران، امیرکبیر.

بارانی، محمدرضا، ۱۳۹۲، *بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، حنابله و اشاعره در عصر آل‌بویه در بغداد*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

باسورت کلیفورد، ادموند، ۱۳۸۵، «آرایش نظامی آل‌بویه در عراق و ایران»، ترجمه حسین علینقیان، *تاریخ اسلام*، ش ۲۶، ص ۱۲۳-۱۶۵.

بدوی، عبدالرحمن، ۱۳۷۴، *تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام*، ترجمه حسین صابری، مشهد، آستان قدس رضوی.

بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۶۹، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین، ۱۳۷۴، *تاریخ بیهقی*، تحقیق خلیل خطیب رهبر، تهران، مهتاب.

پرویز، عباس، ۱۳۶۳، *تاریخ دیالمه و غزنویان*، تهران، علمی.

تاریخ سیستان، ۱۳۶۶، تحقیق و تصحیح ملک الشعراء بهار، تهران، پدیده‌خاور.

ترکمنی آذر، پروین، ۱۳۸۳، *تاریخ سیاسی شیعیان اثنی‌عشری در ایران (از ورود مسلمانان به ایران تا تشکیل حکومت صفویه)*، تهران، مؤسسه شیعه‌شناسی.

—، ۱۳۸۴، *دیلمیان در گستره تاریخ ایران*، تهران، سمت.

ترمانینی، عبدالسلام، ۱۳۸۹، *دایرةالمعارف تاریخی: رویدادهای تاریخ اسلام*، ترجمه جمعی از پژوهشگران، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تودلایی، بنیامین، بی‌تا، *سفرنامه رابی بنیامین تودلایی*، ترجمه ناطق مهوش، تهران، کارنگ.

ثعالی، عبدالملک‌بن محمد، ۱۳۷۷، *ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب*، ترجمه رضا انزابی‌نژاد، مشهد، دانشگاه فردوسی.

جرفادقانی، ابوالشرف ناصح‌بن زفر، ۱۳۷۴، *ترجمه تاریخ یمینی*، تحقیق جعفر شعار، چ سوم، تهران، علمی و فرهنگی.

جعفریان، رسول، ۱۳۸۷، *اطلس شیعه*، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

—، ۱۳۶۸، *تاریخ تشیع در ایران: از آغاز تا قرن هفتم هجری*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

—، ۱۳۷۷، *تاریخ ایران اسلامی، از طلوع طاهریان تا غروب خوارزمشاهیان*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

—، ۱۳۸۰، *تاریخ تشیع در ایران: از آغاز تا قرن دهم هجری*، قم، انصاریان.

—، ۱۳۸۹، *صفویه در عصر دین، فرهنگ و سیاست*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

جیهانی، ابوالقاسم‌بن احمد، ۱۳۶۸، *اشکال‌العالم*، بی‌جا، به‌نشر.

چوکسی، جمشید گرشاسب، ۱۳۸۷، *ستیز و سازش*، ترجمه نادر میرسعیدی، تهران، ققنوس.

حسام‌پور، دهقان و همکاران، ۱۳۹۰، «بازبینی تحلیلی پایگاه اجتماعی مسیحیان ایران در سده‌های چهارم تا ششم هجری»، *تاریخ در آینه پژوهش*، سال هشتم، ش ۱، ص ۹۳-۱۱۶.

۱۳۴ **معرفت فرهنگی ایران، سال هفتم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۵**

حسینی فسایی، میرزاحسن، ۱۳۶۷، *فارسنامه ناصری*، تهران، امیرکبیر.

حمیدی، جعفر، ۱۳۶۹، *وزیر کشان*، بی‌جا، نسل دانش.

خطیب‌بغدادی، احمدبن علی، ۱۳۴۹ق، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، بی‌جا، مکتبه الخانجی.

دوری، عبدالعزیز، ۱۹۸۴، *تاریخ العراق الاقتصادية فی القرن الرابع الهجری*، بغداد، مطبعة دارالمعارف.

ذیلایی، نگار، ۱۳۹۰، «تمرکز جمعیتی یهودیان در شهرهای ایران از عصر سلجوقی تا حمله مغول»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، ش ۱، ص ۲۵-۴۰.

راوندی، مرتضی، ۱۳۷۸، *تاریخ اجتماعی ایران*، بی‌جا، نگاه.

رشید یاسمی، غلامرضا، بی‌تا، *کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او*، بی‌جا، بی‌تا.

رهنما، محمدهاشم، ۱۳۷۴، «بینش‌های عمده در حکمرانی فرمانروایان بویه»، *فرهنگ فارس*، سال دوم، ش ۶.

روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۲، «اقتصاد، خلافت و سلطنت در دوره آل‌بویه»، روزنامه دنیای اقتصاد، ش ۲۹۳۲، ۱۳۹۲/۳/۹.

رویگر، محمد، ۱۳۸۶، *اقدامات سیاسی، فرهنگی، مذهبی و عمرانی عضدالدوله دیلمی*، استهبان، سته‌بان.

زرکوب شیرازی، ابوالعباس، ۱۳۵۰، *شیرازنامه*، بی‌جا، بنیاد فرهنگ ایران.

زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۸، *تاریخ مردم ایران: از پایان ساسانیان تا پایان آل‌بویه*، تهران، امیرکبیر.

زهیری، علیرضا، ۱۳۷۹، *جمهوری اسلامی و مسئله هویت ملی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

ساروخانی، باقر، ۱۳۷۵، *درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، تهران، کیهان.

سامی، علی، ۱۳۴۷، *شیراز دیار سعدی و حافظ*، بی‌جا، بی‌تا.

ستوده، حسینقلی، ۱۳۸۹، *تاریخ آل‌مظفر*، تهران، دانشگاه تهران.

شوشتری، نورالله، ۱۳۷۵، *مجالس المؤمنین*، بی‌جا، کتاب‌فروشی اسلامی.

صالحی، سیدرضا، ۱۳۸۶، «شناخت چالش‌ها و بحران‌های قومی و الزامات مدیریت تنوع»، *پژوهش‌نامه*، ش ۸، ص ۱۳-۵۰.

صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۷۲، *تاریخ ادبیات ایران*، تهران، فردوس.

طغوش، محمدسهیل، ۱۳۹۰، *دولت عباسیان، ترجمه حجت‌الله جودکی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

طهماسبی و عطارزاده، جایگاه دین و آداب و رسوم مذهبی در بین لره‌های لرستان:

http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/s_pdf/25913920206.pdf

عابدی جعفری، حسن و همکاران، ۱۳۹۰، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین

الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *اندیشه مطالعات راهبردی*، سال پنجم، ش ۲، ص ۱۵۱-۱۹۸.

عظیمی، رقیه‌سادات، ۱۳۹۱، «بیمارستان‌های دوره آل‌بویه»، *طب سنتی اسلام و ایران*، سال سوم، ش ۳، ص ۲۶۹-۳۷۶.

فرای، ریچاردن، ۱۳۸۸، *عصر زربین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، روش.

فریبرز، شبین، ۱۳۹۰، «مدیریت جوامع چندفرهنگی»، *پگاه حوزه*، ش ۳۰۲، ص ۲۳-۲۷.

فقیهی، علی‌اصغر، ۱۳۷۸، *تاریخ آل‌بویه*، تهران، سمت.

____، ۱۳۴۷، *چگونگی فرمانروایی عضدالدوله دیلمی*، قم، اسماعیلیان.

____، ۱۳۷۵، *آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان*، رشت، صبا.

قبادیانی مروزی، ناصر خسرو، بی‌تا، *سفرنامه*، بی‌جا، کتاب‌فروشی محمودی.

قزوینی رازی، عبدالجلیل، ۱۳۳۱، *کتاب النقص*، تعلیق و تصحیح سیدجلال‌الدین حسینی ارموی، بی‌جا، چاپخانه سپهر.

قزوینی، زکریابن محمدبن محمود، ۱۳۷۳، *آثارالبلاد و اخبارالعباد*، تهران، امیرکبیر.

قظی، قاضی اکرم جمال‌الدین ابوالحسن، ۱۳۷۱، *تاریخ الحكماء قظی*، به کوشش بهین دارائی، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.

قلجی، حسین و سیما رفسنجانی‌نژاد، ۱۳۹۲، «فرهنگ و سیاست‌گذاری فرهنگی»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۲۹۲، ص ۳۸-۴۵.

قمی، حسن‌بن محمد، ۱۳۶۱، *تاریخ قم*، ترجمه عبدالملک قمی، تهران، توس.

کبیر، مفیزالله، ۱۳۸۸، *آل‌بویه در بغداد*، ترجمه مهدی افشار، تهران، رفعت.

کرمر، جوئل‌ل. بی‌تا، *احیای فرهنگی در عهد آل‌بویه*، ترجمه محمدسعید حنایی‌کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

کریمی، علی، ۱۳۷۸، *مدیریت سیاسی در جوامع چندفرهنگی*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

گولد، جولیس و ویلیام ل. کولب، ۱۳۸۱، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه محمد زاهدی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

لسترینج، ۱۳۶۴، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، بی‌جا، علمی و فرهنگی.

مارتین، مارجر، ۱۳۷۷، «سیاست‌های قومی»، ترجمه اصغر افتخاری، *مطالعات راهبردی*، ش ۱، ص ۱۵۳-۱۸۳.

مافروخی، مفضل‌بن سعد، بی‌تا، *محاسن اصفهان*، اصفهان، مطبوعه مجلسی.

متز، آدام، ۱۳۶۲، *تاریخ تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، امیرکبیر.

محدثی، احمد، ۱۳۷۷، *تاریخ طب در دوره آل‌بویه*، تبریز، احرار.

مستوفی، حمدالله‌بن ابی‌بکر، ۱۳۳۹، *تاریخ گزیده*، تهران، امیرکبیر.

مسعودی، ابی‌الحسن علی‌بن‌الحسین، ۱۳۵۷ق، *التنبیه و الاشراف*، بغداد، المكتبة العصرية.

____، ۱۴۲۲ق، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، بی‌جا، شریف رضی.

مسکویه رازی، ابوعلی، ۱۳۷۶، *تجارب‌الامم و تعاقب‌الامم*، ترجمه علی‌نقی منزوی، تهران، توس.

مظفر، محمدحسین، بی‌تا، *تاریخ الشیعه*، قم، مکتبه بصیرتی.

معین، محمد، ۱۳۸۸، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.

مفتخری، حسین و همکاران، ۱۳۹۱، «مدارای دینی و مذهبی در عصر آل‌بویه»، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال

سوم، ش ۶، ص ۷۹-۱۰۰.

مقدسی، شمس‌الدین، ۱۳۶۳، *احسن‌التقاسیم فی معرفة‌الاقالیم*، ترجمه علی‌نقی منزوی، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

____، ۱۴۱۱ق، *قاهره: مکتب مدبولی*، نرم‌افزار «جغرافیای جهان اسلام»، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

مکی، محمدکاظم، ۱۳۸۳، *تمدن اسلامی در دوره عباسیان*، ترجمه محمد سپهری، تهران، سمت.

ملک‌مکان، حمید و همکاران، ۱۳۸۹، *تشیع در عراق در قرون نخستین*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

مهرز، رحمت‌الله، ۱۳۴۸، *بزرگان شیراز، تحقیقی درباره زاهدان، عرفا، دانشمندان، مؤلفین، شعرا، پادشاهان، وزراء، اماکن مقدسه و زیارتگاه‌های شیراز*، تهران، انجمن آثار ملی.

موسوی، سیدحسن، ۱۳۸۱، *زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

____، ۱۳۸۹، *فرهنگ جامع فرق اسلامی: بر پایه دست‌نوشته‌های مرحوم آیت‌الله سیدمهدی روحانی*، تهران، اطلاعات.

میرخواند، محمدبن خاوندشاه، ۱۳۸۰، *تاریخ روضه‌الصفاء فی سیره‌الانبياء والملوک والخلفاء*، تهران، اساطیر.

نقره‌کار، عبدالحمید و همکاران، ۱۳۸۹، «مدل‌سازی، روشی مفید برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای»؛ *انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران*، ش ۱، ص ۱۲۹-۱۳۸.

وحید، مجید، ۱۳۸۳، «کنوانسیون جهانی تنوع فرهنگی: بررسی زمینه‌های فکری-تاریخی، موضوع و چشم‌انداز تصویب و تبعات در سیاست‌گذاری فرهنگی»، *مجله دانشگده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۶۳، ص ۲۵۳-۲۶۹.

یاقوت حموی، یاقوت‌بن عبدالله، ۱۳۸۳، *ترجمه معجم‌البلدان*، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.

یحیایی، علی، ۱۳۹۰، «آب و آبیاری در عهد آل‌بویه»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۶۵، ص ۳۱-۳۷.

یعقوبی، احمدبن ابی‌یعقوب، ۱۳۴۷، *البلدان*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب.

یعقوبی، محمدظاهر، ۱۳۸۵، *شیعیان بغداد: وضعیت سیاسی و اجتماعی از ورود سلجوقیان تا سقوط عباسیان*، قم، شیعه‌شناسی.

Bennett, T, 1992, "Patting policy of cultural studies", (in) Cultural Studies, Grooberg L. et al (ed.), London: Rutledge.

Merriam-Webster, s – Inc, Vest pocket dictionary, 1989.

معرفت فرهنگی اجتماعی _____ سال هفتم، شماره چهارم، پیاپی ۲۸، پاییز ۱۳۹۵، ص ۱۳۷ - ۱۵۶